

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلسه ی ، شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۴ - ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۷

### بررسی روایات تقیه و بررسی دلالت آن بر منع از خروج:

دسته ی چهارم از روایاتی که در باب منع از خروج و قیام، قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، روایات تقیه هستند.

بعضی از علماء به این روایات احتجاج کرده اند و گفته اند چون تقیه واجب است و اگر احتمال خطری بود باید پرهیز کنیم، و هر قیامی تا قبل از ظهور حضرت خطر دارد و ... به تقیه باید عمل کنیم ... پس نباید قیام کرد.

### بررسی این نظریه:

باید گفت وجوب تقیه امری اجماعی بین شیعه است و هیچ خلافتی در مورد آن نیست؛ اما این تحلیل مبتنی بر دو جهت است؛ یکی این که روایات دسته دوم (اثبات این نکته که هر قیامی قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محکوم به شکست است) پس هیچ قیامی نباید انجام بشود. چون در هر قیامی احتمال خونریزی و ... هست و از باب حفظ دماء مسلمین باید از قیام خودداری کنیم. اگر این دسته از روایات را قبول نکنیم (و بگوییم ممکن است قیامی به پیروزی منجر شود) لازمه ی آن، تقیه و حفظ دماء مسلمین نخواهد بود.

حال آنکه ما این دسته از روایات را نپذیرفتیم و گفته شد که این روایات اشکال سندی و دلالتی دارند و همچنین مخاطب این روایات همان مردم زمان ائمه علیهم السلام بوده اند که در زمان امام سجاد علیه السلام و امامان دیگر بخاطر وجود فضای خونخواهی امام حسین علیه السلام و نیز گرفتن حق اهل بیت علیهم السلام قیام نموده بودند...

پس نکته‌ی دومی که این روایات بر آن مبتنی است این است که قیام را مصداق تخلف از تقیه بدانیم. اول بایستی ثابت شود که قیام تقیه است و بعد از آن معلوم می‌شود که آیا بر اساس تقیه نباید قیام کرد یا اشکالی ندارد؟

یکی از قواعد اصولی این است که تمسک عام در شبهه‌ی مصداقیه جایز نیست. مثلاً مولا می‌گوید اکرم العلماء بعد شک کنیم که آیا زید عالم هست یا نه... اگر برای وجوب اکرام زید به آن عموم اکرم العلماء بخواهیم تمسک کنیم، این تمسک جایز نیست. یعنی در جایی که شک کنیم آیا فردی از مصادیق حکم عام هست یا نه؟ نمی‌توانیم به حکم عام تمسک کنیم.

اینجا نمی‌توان ثابت کرد که قیام از مصادیق تخلف از تقیه می‌باشد.

در بحث مفهوم تقیه بایستی بحث دقیقی بشود که در آخر این بحث مطرح می‌شود.

تقیه معنایی اصطلاحی است و معنای لغوی نیست و بایستی بررسی دقیق بشود که آیا شامل این موارد هم می‌شود یا نه؟

## اقسام روایات تقیه:

روایات تقیه بر دو دسته تقسیم می‌شوند؛

دسته‌ی اول روایاتی که بر وجوب اصل تقیه دلالت می‌کنند.

دسته‌ی دوم روایاتی که بر ادامه‌ی این تکلیف تا زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت می‌کنند.

بحث ما در مورد جواز (و بلکه وجوب) قیام در زمان غیبت است و اگر معنای تقیه منقح نشود، مفهوم آن روشن نخواهد شد.

از روایات دسته‌ی اول (وجوب تقیه) چهار روایت را مطرح می‌کنیم. البته روایات در این مورد زیاد است ولی این ۴ روایت جمع‌بندی این روایات است.

## روایت اول،

اولین روایت، از هشام بن سالم است که سلسله‌ی سندش کاملاً مشخص است و روایات معدودی داریم که سلسله‌ی سندش به این محکمی باشد.

محمد بن علی بن حسین (مرحوم صدوق) از پدرش (علی بن حسین که از شیعیان بسیار موثق زمان خودش بوده است) نقل می‌کند. در مورد یونس بن عبدالرحمن نصّ صریح داریم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سلسله‌ی سند کاملاً تام و تمام است و هیچ خدشه‌ای به آن وارد نمی‌شود.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ - قُلْتُ وَمَا الْخَبَاءُ قَالَ التَّقِيَّةُ<sup>١</sup>.

صدر روایت تعریف تقیّه است؛ این عبارتها باید مورد تدقیق قرار بگیرند؛ چون تحلیل دقیق تقیّه مبتنی بر فهم صحیح و کامل این روایات است.

از نظر دلالت، این روایت دارای یک صدر و یک ذیل است.

در صدر روایت هیچ دلالتی بر تقیّه نیست؛ چون اصل پوشش در عبادت، مخفی کردن آن است. در نزد خداوند هیچ عبادتی بهتر از آن نیست که مخفیانه انجام شود و هیچ ریا و تدلیسی در آن نباشد.

اما ذیل روایت که جواب سؤال راوی است، دلالت بر تقیّه دارد.

---

١. وسائل الشیعة؛ ج ١٦، ص: ٢٠٧؛ ٢٤ باب وجوب التقیة مع الخوف إلى خروج صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشریف.

واقعیّت تقیه این است که انسان واقعیّت مذهب و ایمانش را از دشمنان بیوشاند.

پس کسی که ایمانش را از دیدگان دشمنان بیوشاند محبوبترین عمل نزد خداوند را انجام داده است.

پس این روایت صریحاً دلالتی بر وجوب نمی‌کند؛ چون در آن امری نیست و نهایتاً دلالت بر استحباب مؤکد دارد.

## روایت دوم:

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ: التَّقِيَّةُ تُرْسُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ<sup>۱</sup>

تقیه سپر خداست میان خودش و بندگانش.

در تحلیل معنای تُرس گفته شده که خداوند سپری را برای بندگانش قرار داده که با آن وارد جنگ شده و آسیبی نبیند. سپر جان انسان را حفظ می‌کند و او را در امان می‌دارد. تقیه هم وسیله‌ای است که خداوند برای پوشش و محافظت از مؤمنین قرار داده است.

تُرس را اگر به معنای محافظ بگیریم، همین معنا می‌شود که البته زیاد هم درست به نظر نمی‌رسد.

معنای دیگری که در مورد تُرس الله گفته شده است این است که گفته شده: افراد وقتی که با کسی در حال جنگ هستند، وقتی طرف بخواهد تسلیم شود و عذرخواهی کند برای اظهار تعظیم و تسلیم سپرش را به روی صورتش می‌گیرد.

---

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص: ۲۰۷؛ ۲۴ باب وجوب التقیه مع الخوف إلى خروج صاحب الزمان ع؛ ج ۱۶، ص: ۲۰۳.

بنابراین کسی که احساسات دینی در او فوران کرده است و در این غلیان احساسات با خداوند هم وارد مبارزه شده است، در اوج آن فوران احساسات و هیجانات، او سیر را در مقابل خودش می‌گیرد و در برابر خداوند اظهار ندامت می‌نماید.

ما باشیم و این روایت، هیچ جای این روایت بر وجوب تقیه تا زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا حرمت قیام در زمان غیبت دلالتی نمی‌کند.

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْقِيَامِ لِلْوَلَاةِ - فَقَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عِ التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي - وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ.<sup>۱</sup>

ادامه این مبحث و بررسی این روایت در جلسه بعد مطرح خواهد شد ان شاء الله...

---

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص: ۲۰۴؛ ۲۴ باب وجوب التقية مع الخوف إلى خروج صاحب الزمان ع؛ ج ۱۶، ص: ۲۰۳.